گذر

کارگروه تأمین مسکن اقشار محروم تشکیل شد

واگذاری زمین و وام بلاعوض به دهک‌های ۱ تا ۳

● وزیر راه و شهرسازی از تشکیل کارگروه تأمین مسکن محرومان خبر داد و گفت: به دهک‌های یک تا سه زمین رایگان و وام بلاعوض برای خانه‌دارشدن واگذار می‌شود. به گزارش تسنیم، محمد اسلامی درباره جلسه روز گذشته با دستگاه‌های حمایتی اظهار کرد: حرف‌هایی که می‌زنیم وعده نیست و اقدام و عمل است. دیروز برای تأمین مسکن سه دهک نیازمند جلسه‌ای با دستگاه‌های حمایتی برگزار شد.وی ادامه داد: این اولین جلسه بود و تا به حال چنین جلسه‌ای برای تأمین مسکن محرومان نداشتیم. بر این اساس، همه دستگاه‌های حمایتی برای تأمین مسکن محرومان اقدام خواهند کرد.وزیر راه و شهرسازی بیان کرد: به دنبال این هستیم با یک هم‌گرایی و تدوین یک نقشه راه محرومان را شناسایی و برای تأمین مسکن آنها به صورت یکپارچه تصمیم‌گیری کنیم.اسلامی گفت: در این برنامه وزارت راه و شهرسازی زمین رایگان می‌دهد و بر اساس قانون، نیز به دهک‌های یک تا سه وام‌های بلاعوض تعلق می‌گیرد.وی با بیان اینکه واحدهای مسکونی با مشخصات طراحی‌شده از سوی بنیاد مسکن ساخته می‌شود، تصریح کرد: برای تأمین مسکن محرومان کارگروهی با حضور همه دستگاه‌های حمایتی تشکیل شده که در استان‌ها با محوریت استانداران به صورت قرارگاهی دهک‌های یک، دو و سه جامعه را خانه‌دار خواهیم کرد.

شرط جدید برای افتتاح حساب بانکی از خرداد ۹۹

● بر اساس بخش نامه بانک مرکزی، از سوم خرداد ۹۹ سرویس برخط سامانه سیاح راه‌اندازی می‌شود و افتتاح هر گونه حساب در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری منوط به دریافت شماره پیگیری از سامانه سیاح خواهد بود.

بانک مرکزی در بخش‌نامه‌ای اعلام کرده است بانک مرکزی بر اساس تکالیف مقرر در بند ب ماده ۲ آیین‌نامه مستندسازی وجوه در کشور و ماده ۱۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، موظف به راه‌اندازی سامانه حساب‌های مشتریان و ارائه فهرست کلیه حساب‌های محکومین در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به مراجع قضائی شده است. بر این اساس و پیرو بخش‌نامه شماره ۹۷.۱۳۰۹۶۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ در خصوص ارسال اطلاعات حساب‌های موجود به سامانه سیاح (فاز دوم) به استحضار می‌رساند مستند فنی سامانه در درگاه خدمات الکترونیک بانک مرکزی به آدرس portal.pbn.net جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم درج شده است.

در این راستا و با توجه به حساسیت‌های موجود جهت ارتباط برخط سامانه‌ها برای افتتاح حساب اشخاص، خواهشمند است دستور فرمایید اقدامات و موارد ذیل حسب زمان‌بندی قیدشده، مدنظر قرار گیرد:

۱. با توجه به لزوم درج کد شهاب در فیلدهای اطلاعاتی سامانه، ضروری است اقدامات لازم جهت تخصیص شناسه شهاب صاحبان حساب به کلیه حساب‌های حقیقی و حقوقی نزد آن بانک در اسرع وقت صورت پذیرد.

۲. اطلاعات حساب‌های موجود نزد آن بانک / مؤسسه اعتباری می‌بایست همانند روال سابق در پایان هر ماه به صورت دسته‌ای ارسال شود، به گونه‌ای که حداکثر تا پایان روز ۳۱ اردیبهشت سال ۱۳۹۹، کلیه حساب‌های موجود در سامانه مذکور ثبت شده باشد.

۳. کلیه سرویس‌های برخط سامانه می‌بایست تا پایان بهمن‌ماه سال جاری توسط واحد فناوری اطلاعات آن بانک تست شده و نتیجه آن به صورت کتبی به اداره اطلاعات بانکی اعلام گردد.

۴. بانک / مؤسسه اعتباری غیربانکی مکلف است کلیه شماره پیگیری‌های اخذشده از سامانه سیاح را به حساب‌های مشتریان در سامانه‌های داخلی خود اختصاص داده و در سوابق نگهداری نماید.

۵. از ابتدای روز ۳ خرداد سال ۱۳۹۹ سرویس برخط سیاح راه‌اندازی شده و افتتاح هر گونه حساب در آن بانک/ مؤسسه اعتباری غیربانکی، منوط به دریافت شماره پیگیری از سامانه سیاح می‌باشد.

۶. پس از راه‌اندازی سرویس برخط، آن بانک / مؤسسه اعتباری غیربانکی مکلف است حداکثر ظرف مدت یک ماه، هر گونه تغییر وضعیت حساب‌های ارسالی قبل از تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ را در سامانه سیاح از طریق سرویس تغییر، اعمال نماید.

۷. فراخوانی سرویس تغییر به صورت روزانه می‌بایست صرفا برای حساب‌هایی که ابزار برداشت و یا وضعیت آنها تغییر کرده است، صورت پذیرد.

۸. مشخصات و شماره تماس نماینده مطلع آن بانک در ارتباط با سامانه فوق، به قید فوریت به این بانک اعلام گردد.

بانک مرکزی با زیرمجموعه‌های نظام بانکی مدارا می‌کند

تحدید نهاد ناظر

شرق: از انتقادهای مهمی که به نظام بانکداری در ایران مطرح می‌شود و روی آن اتفاق نظر وجود دارد، ضعف نظارتی بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر بر بانک‌های تجاری و عدم اقتدار آن برای اجرای تضمین‌شده سیاست‌های جلوگیری از افزایش خارج از نُرم نقدینگی است. میثم خسروی، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «شرق»، از عوامل متعددی یاد می‌کند که استقلال و اقتدار بانک مرکزی را هم به‌عنوان نهاد ناظر و هم به‌عنوان سیاست‌گذار از بین برده است. یکی از این عوامل، چرخش نیروی انسانی بین بانک مرکزی و شبکه بانکی است که به آن درب‌های گردان گفته می‌شود و موجب شده نهاد ناظر به دست شبکه بانکی کاملا غل و زنجیر شود. به‌طورکلی، ظاهرا سوابق و آینده شغلی تصمیم‌گیرندگان، در ملاحظات بانک مرکزی بسیار مؤثر است؛ خسروی به موارد متعددی اشاره می‌کند که این مسئله به منافع عمومی صدمه زده است؛ از تعیین نرخ سودهای بانکی گرفته تا قوانینی که به نام منافع عمومی وضع و به کام منافع اشخاص و بخش‌های خاصی تمام می‌شوند.

از انتقادهای مهمی که به نظام بانکداری در ایران می‌شود، ضعف نظارتی بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر بر بانک‌های تجاری است. این ضعف در نظارت خودش را چه به لحاظ اهتمام‌نداشتن این بانک برای جمع‌آوری داده‌های درخور اتکا از بانک‌ها به‌طور مستقل، در راستای رصد و جلوگیری از رفتارها و تصمیمات پرمخاطره آنها و چه از نظر اقتدار بانک مرکزی برای اجرای تضمین‌شده سیاست‌های جلوگیری از افزایش خارج از نُرم نقدینگی، نشان می‌دهد. این موارد حاصل گرفتن چه تصمیمات و چه تصمیم‌گیری‌نکردن‌هایی از سوی مسئولان بانک مرکزی است؟ به نظر شما ملاحظات آنان در این زمینه چیست؟

یک اصل کلی در تنظیم‌گری وجود دارد و آن این است که نباید اشخاص تحت نظارت بتوانند ناظر را تصاحب کنند. اصل کلی آن هم این است که باید مقام ناظر انواع مختلف استقلال‌ها را از اشخاص تحت نظارت داشته باشد؛ با این هدف که تنظیم‌گری مستقل اتفاق بیفتد. در ایران درباره شبکه بانکی این مسئله به‌شدت وجود دارد و بسیار هم صدمه زده است. ضمنا در بحث جمع‌آوری داده‌ها که اشاره کردید، بانک مرکزی وضعیت اسفباری دارد. اگر از بانک مرکزی اطلاعات ساده‌ای هم بخواهید، ندارد و باید از بانک‌ها استعلام کند و... .

یعنی فکر می‌کنید بانک مرکزی با بانک‌ها به دلایل خاصی مدارا می‌کند؟

بله؛ مصداق‌ها کاملا نشان می‌دهد که چرا بانک مرکزی با بانک‌ها مدارا می‌کند و اقتدار نظارتی لازم را ندارد. یک مصداق آن استقلال پرسنلی است. مقام ناظر باید از حیث پرسنلی از اشخاص تحت نظارتش مستقل باشد؛ یعنی گردش نیروی انسانی باید بین بخش خصوصی و اشخاص تحت نظارت با مقام ناظر کنترل شود و این‌گونه نباشد که مثلا معاون نظارتی بانک مرکزی بعد از تمام‌شدن مسئولیتش، به بانک‌های خصوصی برود و بین اشخاص تحت نظارت خود شروع به فعالیت کند؛ چراکه اگر شما معاون نظارتی بانک مرکزی باشید، همیشه این احتمال برایتان وجود دارد و این مسئله مطرح می‌شود که اگر شما سخت‌گیری کمتری با فلان بانک بکنید، احتمال اینکه بعد از بازنشستگی به آنجا بروید و مشغول شوید، بیشتر است. این موجب می‌شود انگیزه پیدا کنید که با آن بانک مدارا کنید. اینکه من تأکید دارم باید تصاحب مقام ناظر را کنترل کنیم، برای این است که استقلال پرسنلی به مقام ناظر بدهیم. تجربه این مسئله در بانک‌های تخصصی دنیا هست؛ در این کشورها، به‌خصوص در بخش‌هایی از بانک مرکزی آنها که مسئولیت نظارتی دارد، پرسنل سه تا پنج سال بعد از اتمام خدمتشان حق اشتغال در بانک‌ها را ندارند. آنها حق هیچ‌گونه مشاوره‌دهی به بانک‌ها یا شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها یا حتی دانشگاه‌هایی را که وابسته به بانک‌ها هستند نیز ندارند. باید این تجربه‌ها را در نظر داشت. بی‌شک علت مدارای بانک مرکزی این است که اساسا تنظیم‌گری صورت گرفته، تصاحب شده و مقام ناظری داشته‌ایم که به‌هیچ‌وجه مستقل در شبکه بانکی نبوده و غل و زنجیر شده است. خروجی این شده که اقتدار مقام ناظر زیر سؤال است. هدف سیستم‌های نظارتی این است که شما ناظر مقتدری داشته باشید؛ اما این وضع موجب شده بانک مرکزی ناظر مقتدری نباشد. زمانی کسی از من پرسید: شما یک مقرره بگو که بانک‌ها از آن تخلف کرده باشند. من پاسخ دادم: من چیزی نمی‌گویم؛ شما خودت یک مقرره را انتخاب کن؛ چون می‌دانستم هر مقرره‌ای را که بگوید، بانک‌ها از آن سرپیچی کرده‌اند.

البته همیشه مشکل سرپیچی از قانون نیست. گاهی این قوانین هستند که بسترساز فساد می‌شوند؛ حالا یا قوانینی که باید وضع می‌شدند و نشدند یا قوانینی که به طوری وضع شده‌اند که گویی به‌جای حفظ منافع ملی بیشتر در خدمت شبکه بانکداری خصوصی است. به طور نمونه در سال ۱۳۹۶ دیدیم که در ابلاغیه‌ای محرمانه به بانک‌ها، نرخ اضافه برداشت از ۳۴ به ۱۸ درصد کاهش یافت. هرچند، چند ماه بعد از این نرخ بازگشت صدور چنین ابلاغیه‌ای از یک اشکال در نظام بانکی حکایت دارد.

بله، خیلی از موارد اشکال قانون است. در کشورهای دیگر ما چنین چیزهایی را نداریم، چون قانون برایشان تعیین تکلیف کرده است و گفته که مثلا معاون نظارتی حق کارکردن در بانک‌ها را بعد از اتمام دوران کارش ندارد اما ما از این دست قوانین نداریم. برای اقتداربخشی به مقام ناظر اول باید جلوی تصاحب تنظیم‌گری و نظارت گرفته شود. قسمت دوم اینکه قواعد ورشکستگی بانک‌ها در کشور ما وجود ندارد. این دو مانع مهم برای اقتداربخشی به مقام ناظر است. در همه‌جای دنیا قواعدی که برای ورشکستگی بانک‌ها وجود دارد، متفاوت از قواعدی است که برای یک شرکت تجاری وضع می‌شود. یک قانون تجارت مثلا رویه‌ای برای ورشکستگی شرکت فرضا خودروسازی یا فولاد تعریف می‌کند اما قوانین ورشکستگی بانکی‌شان با یک رویه متفاوت و اختصاصی تعریف می‌شود که ما نداشتیم.

در واقع از نظر شما سوابق و آینده شغلی تصمیم‌گیرندگان در ملاحظاتی که بانک مرکزی دارد، دخیل است؟

بله، اساسا در موارد متعددی این مسئله وجود دارد؛ مثلا یکی از معاونان بانک مرکزی بلافاصله بعد از بازنشستگی قائم‌مقام یکی از بانک‌ها شد. این برای معاون بانک مرکزی امر نامطلوبی تلقی می‌شود.

فرق این دو چیست؟

این طرف ماجرا یک استدلال و توجیه وجود دارد و آن این است که کسی که در بانک کار کرده است، به زوایای کار بهتر اشراف دارد، پس وقتی در مقام نظارت می‌نشیند راه‌های دوزدن قوانین و مقررات را بلد است. بنابراین یک توجیه برای رفتن از شبکه بانکی به بانک مرکزی است؛ مثلا فلانی که زمانی رئیس بانک صادرات بوده حالا معاون نظارتی بانک مرکزی است. این فرد یک امتیاز برای مدیریت دارد اما در قاعده برعکس آن، اصلا معلوم نیست چه اتفاقی افتاده است؛ درحالی‌که معمولا همه از مقام ناظر بدشان می‌آمده حتی در مدرسه هم کسی از ناظم خوشش نمی‌آمد، حالا شبیه این است که همان ناظم آمده و کارمند پدر دانش‌آموز شده است.

یکی از مهم‌ترین تصمیمات در تاریخ بانکداری ایران تصمیمی است که در سال ۱۳۹۶ برای بازپرداخت طلب سپرده‌گذاران بانک‌ها و مؤسسات مالی ورشکست شده از محل منابع عمومی کشور گرفته شد. این تصمیم با چه انگیزه‌هایی گرفته شد و برندگان آن چه کسانی بودند؟

اساسا تعارض منافع بد است؛ چون منافع عمومی قربانی منافع شخصی یا بخشی می‌شود. همه این حرف‌ها برای این است که منافع عمومی قربانی منافع شخصی، گروهی یا بخشی نشود؛ مثلا نباید تمام منافع اقتصاد کلان را فدای دو کارخانه خودروسازی یا کشاورزی یا حتی صنعت کرد. ما باید دنبال منافع عمومی باشیم و سازوکاری که در حاکمیت می‌چینند، چه در وزارت اقتصاد چه در بانک مرکزی و چه هر جای دیگری که نظارت وجود دارد، باید به نحوی باشد که حتی‌الامکان آن نهاد را به سمت دنبال‌کردن منافع عمومی سوق دهد اما این اتفاق نیفتاده است. ساختار در شورای پول و اعتبار به‌عنوان هم نهاد ناظر و هم مقام پولی و... به‌گونه‌ای است که اساسا یکی بودجه برایش مهم است، یک نفر کشاورزی، یک نفر صنعت و حتی یک نفر واردات. افرادی که خودشان در یک بخش ذی‌نفع نیستند، لزوما متخصص اقتصاد کلان به‌عنوان منافع عموم نیستند. یعنی این حرف‌ها و نقدها برای زمانی است که ما فرض را بر این بگذاریم که این افراد منافع اقتصاد کلان را می‌شناسند؛ درصورتی‌که اصلا این‌طور نیست حتی اگر وزیر صمت یا وزیر کشاورزی که در شورای پول و اعتبار هستند، بخواهند منافع اقتصاد کلان را دنبال کنند، نمی‌توانند؛ چراکه اصلا نمی‌دانند این منافع چیست و چطور حاصل می‌شود، چون اصلا با ساخت اقتصاد کلان آشنا نیستند. نکته این است که باید آنجا افرادی قرار گیرند که متخصص اقتصاد کلان و سیاست پولی باشند و بدانند چطور باید منافع اقتصاد کلان را دنبال کرد و خودشان هم منافعی نداشته باشند که بخواهند منافع عمومی را قربانی آن منافع کنند. یکی دیگر از تصمیم‌گیری‌های مهم در نظام بانکی تعیین نرخ سود بانک‌هاست. چه مرجعی در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کند؟ چه مراجعی در این زمینه تصمیم‌سازی مؤثر دارند؟ ملاحظات آنها در این زمینه چیست؟ آیا اینجا هم پای تعارض منافع در میان است؟

این بحث سیاست پولی است که متأسفانه در بحث سیاست پولی تعارض منافع به طور جدی نقش دارد. شورایی تحت عنوان شورای پول و اعتبار سیاست‌گذار پولی کشور است و لزوما منافع اقتصاد کلان برایشان اهمیتی ندارد. مثلا وزیر صنعت، وزیر کشاورزی و... است که منافعشان در این است که نرخ سود را پایین بیاورند؛ مثلا فرض کنید واقعا منافع اقتصاد کلان در این است که نرخ سود پایین بیاید یا یک درصد بالا برود. شورایی آنجاست که اساسا پای نفع بخشی‌اش و نه نفع شخصی‌اش گیر است؛ مثلا وزیر صنعت به این فکر می‌کند که به ایران‌خودرو تسهیلات با نرخ خوب برسد و اگر این اتفاق بیفتد، قیمت خودرو بالا می‌رود و چهار روز دیگر مجلس یقه‌اش را می‌گیرد. آنچه خیلی مهم است این است که به واسطه انفعال بانک مرکزی، همین ساختارهای نهادی که بخشی از آن را در قسمت نظارت توضیح دادم، در قسمت سیاست پولی هم وجود دارد. اساسا بانک مرکزی تا امروز سیاست پولی نداشته است. معمولا باید با سیاست پولی نرخ سود کنترل شود؛ یعنی اگر فکر می‌کند نرخ سود در حال حاضر باید از ۱۸ درصد به ۱۵ درصد برسد و سه درصد پایین بیاید، باید شروع کنید به انجام‌دادن سیاست پولی؛ یعنی با بازار بین‌بانکی نرخ بین‌بانکی را کنترل کنید و بعد در بازار خرد هم یا نرخ خودش پایین بیاید یا قواعد نظارتی برای آن داشته باشید. این اتفاق هیچ وقت نیفتاده است.

به جز مواردی که ذکر کردید، دیگر چه عواملی را در خدشه‌دارشدن استقلال بانک مرکزی مؤثر می‌دانید؟

نکته دیگر که باید استقلال بانک مرکزی را به عنوان نهاد ناظر لحاظ می‌کردیم و نکردیم، بحث استقلال مالی است.

منظورتان تعارض درآمد بانک مرکزی با وظیفه آن است؟

بله، در شرایط فعلی بانک مرکزی از منافع تخلف بانک‌ها برخوردار است که این همان تعارض منافع از نوع درآمد وظایف است؛ یعنی وظیفه بانک مرکزی این است که در شبکه بانکی انتظام‌بخشی و رعایت مقررات را پیگیری کند. از طرفی اگر بانک‌ها تخلف و اضافه‌برداشت کنند، تخلفی که از آنان می‌گیرد درآمدشان را زیاد می‌کند تا پاداش بیشتری بدهند. قانونی که وجود دارد به شرکت‌های دولتی اجازه می‌دهد زمانی که درآمدهایشان زیاد شد، هزینه‌هایشان را هم زیاد کنند به شرطی که سود مالیاتی که می‌خواهند به دولت بدهند، تغییر نکند. خروجی این مسئله این بود؛ زمانی که بانک‌ها یک سال تخلف و اضافه‌برداشت می‌کنند و بانک مرکزی هم ۳۴ درصد از آنها را به عنوان درآمد شناسایی می‌کند، در آن سال می‌تواند پاداش بیشتری به کارکنانش بدهد. من نمی‌گویم این اتفاق لزوما می‌افتد اما امکان آن وجود دارد.

رکن دیگر استقلال که باید برای بانک مرکزی در نظر گرفت استقلال سازمانی است؛ یعنی بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر باید از حیث سازمانی از اشخاص تحت نظارتش مستقل باشد که ما این را هم در ایران نداریم و در حقیقت بانک مرکزی در مواردی اساسا با بانک‌ها شراکت حقوقی دارد.

مصداقی از آن را می‌فرمایید؟

مثلا در شرکت ملی خدمات انفورماتیک بانک‌ها با بانک مرکزی شریک‌اند یا مصداق دیگری که تحت عنوان استقلال سازمان می‌توان آن را طبقه‌بندی کرد در هیئت انتظامی خودش را نشان داده است. هیئت انتظامی جایی است که وقتی تخلفات تحت نظر معاونان نظارتی شناسایی می‌شود پرونده‌شان ارجاع می‌شود به این هیئت انتظامی. اما متأسفانه یکی از اعضای این هیئت یکی از مدیران عامل بانک‌هاست؛ یعنی به یکی گفته‌اند با تخلف هم‌صنفی‌اش برخورد کند.

البته در بحث تعارض منافع باید این را هم در نظر داشت که همیشه لزوما به معنای فساد نیست و افراد در موقعیت تعارض منافع ممکن است دچار فساد بشوند یا نشوند.

همین‌طور است؛ اما باید در نظر بگیرید که به طور کلی کارایی سیستم را پایین می‌آورد؛ مثل جریان آب است؛ جریان آب را به یک سمت هل می‌دهید بعد می‌گویید ممکن است یکی خلاف جهت آب شنا کند. کسی نافی این امر نیست که استثنا وجود دارد؛ اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، این امکان وجود دارد که انسان‌های شریفی در این زمینه باشند که منافع خودشان را بر منافع عموم ترجیح دهند.

اقدامی هم تابه‌حال برای مقابله با این وضع صورت گرفته است؟

خوشبختانه اتفاق مثبتی که افتاده، این است که بسیاری از مواردی که در این گفت‌وگو از آن یاد کردیم در طرح بانکداری اسلامی حل شده؛ در بحث تصاحب تنظیم‌گری قراعد خوبی تنظیم شده که بانک مرکزی را به عنوان نهاد ناظر از بانک‌ها مستقل می‌کند؛ مثلا برای جلوگیری از پدیده درب‌های گردان ممنوعیتی سه‌ساله در نظر گرفته شده است.

پای تضمین ۵۰هزار میلیاردی در میان است

۵۰ هزار میلیارد تومانی که قرار است از اموال دولتی فروخته یا مولدسازی شود و سهمی از منابع بودجه ۱۳۹۹ را تأمین کند، درحالی در شک و تردید است و هیاهو به پا کرده که حتما وزارت اقتصاد نسبت به تحقق آن تضمین داده و مطمئن است که سازمان برنامه‌وبودجه روی این درآمد حساب باز کرده است. اما جای سؤال دارد که مگر وزارتخانه تجربه واگذاری ۵۰ هزار میلیاردی اموال و املاک و نقدکردن آن را در یک سال داشته یا با چه پشتوانه‌ای مُصر به انجام این کار است؟ درعین‌حال که اگر محقق نشود کسری بودجه چه خواهد شد؟به گزارش ایسنا، در منابعی که دولت برای سال آینده در لایحه بودجه پیش‌بینی کرده است، حدود ۴۸۴ هزار میلیارد تومان منابع عمومی وجود دارد که ۱۲۴ هزار میلیارد تومان مربوط به واگذاری دارایی‌های مالی، ۲۶۱ هزار میلیارد تومان درآمدها (عمدتا مالیات) و ۹۸ هزار میلیارد تومان برای واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای است.اما از زمان رونمایی از لایحه بودجه ۱۳۹۹، منابع ناشی از واگذاری دارایی سرمایه‌ای به‌طور خاص مورد بحث قرار داشت تا جایی که ۴۸ هزار میلیارد تومان از نفت و فراورده‌های آن و حدود ۴۹ هزار میلیارد تومان از محل فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول دولت پیش‌بینی شده است. اما در بین این دو مورد، منابع نفتی تا حدود بیشتری مورد قبول قرار گرفت ولی درباره فروش اموال اما و اگرها بسیار است. در حالی دولت حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان از دخل خود را بر پایه فروش اموال یا مولدسازی آن قرار داده است که کارشناسان و همچنین مجلس نظرات متفاوتی در این زمینه اعلام کرده و تردیدهایی را نسبت به تحقق آن مطرح می‌کنند، چراکه به‌هرحال رقم قابل توجهی بوده و اگر محقق نشود دولت با کسری بودجه مواجه خواهد شد.برخی کارشناسان معتقدند فروش اموال منقول و غیرمنقول به‌نوعی چوب حراج به دارایی‌های دولت است و از سویی برخی تأکید دارند که روال غیرعادی نیست ولی با توجه به شرایط خاص اقتصادی و رکود بازار املاک، امکان فروش این اموال وجود ندارد.با وجود این، ظاهرا وزارت اقتصاد به این موضوع اصرار دارد که می‌تواند ۵۰ هزار میلیارد تومان از اموال را بفروشد یا مولدسازی کند که سازمان برنامه‌وبودجه هم روی آن حساب کرده است؛ هرچند تاکنون وزارت اقتصاد توضیحی درباره سازوکار مد نظر برای تحقق این منابع ارائه نکرده و در ابهام قرار دارد.این در شرایطی است که حتی در لایحه بودجه سال آینده دو بند در تبصره (۱۲) به عنوان حکم در اختیار وزارت اقتصاد قرار گرفته تا بتواند ارقام پیش‌بینی‌شده را محقق کند. به‌نحوی‌که در جزء (۲) بند «د» این تبصره به وزارت اقتصاد اجازه داده شده با هماهنگی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به مکان‌محورکردن اطلاعات اموال غیرمنقول دولتی اقدام کند. همچنین نسبت به مولدسازی دارایی‌های دولت تا هشت‌هزار میلیارد تومان با استفاده از ابزار صکوک اجازه، اموال غیرمنقول مازاد بر نیاز دستگاه‌های اجرائی به استثنای انفال بدون رعایت تشریفات مربوط به تصویب هیئت وزیران اقدام کند که در این رابطه دستگاه‌های اجرائی مکلف به همکاری با وزارتخانه شده‌اند.همچنین در جزء (۳) این بند به وزارت اقتصاد و دارایی اجازه داده شده که تا سقف ۴۰ هزار میلیارد تومان از اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول مازاد دولت به استثنای انفال را بدون رعایت تشریفات مربوط به تصویب هیئت وزیران بفروشد و باید دستگاه‌های اجرائی با آن موافقت کنند.حال اینکه وزارت اقتصاد می‌تواند رقم نزدیک به ۵۰ هزار میلیاردی را محقق کند یا خیر، موضوعی است که به‌طورحتم در مجلس مورد بحث قرار گرفته و هر تغییر ممکن است در این باره اعمال شود.ولی وزارت اقتصاد تجربه چندان موفقی درباره واگذاری اموال نداشته است؛ به‌طوری‌که طی سال‌های اخیر بارها بر فروش و واگذاری دارایی و اموال و املاک مازاد بانک‌ها که به نصف این ۵۰ هزار میلیارد تومان هم نمی‌رسید، پافشاری کرده و در قالب قانون نیز بانک‌ها مکلف به این واگذاری بودند اما نتایج مطابق با پیش‌بینی انجام‌شده پیش نرفته است، چراکه رکود بازار ملک و آمادگی‌نداشتن بازار سرمایه برای ورود حجم بالای این اموال و البته از سویی تمایل‌نداشتن کامل بانک‌ها برای واگذاری نیز در این عدم موفقیت دخیل بوده است.

خبر

هشتگردی‌ها از امروز متروسوار می‌شوند

● مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید از راه‌اندازی متروی شهر جدید هشتگرد تا مقصد متروی گلشهر و سپس صادقیه که روز گذشته با حضور رئیس‌جمهور افتتاح شد.

حبیب‌الله طاهرخانی در گفت‌وگو با مهر، اظهار کرد: شهر جدید هشتگرد از اواخر دهه ۶۰ مکان‌یابی و عملیاتی شد که طبق برآورد ما بر اساس طرح جامع و طرح توسعه شهری، این شهر جدید ظرفیت جذب ۶۰۰ هزار نفر جمعیت را دارد اما در حال حاضر حدود ۸۰ هزار نفر جمعیت در این منطقه اسکان یافته‌اند.

وی افزود: یکی از دلایل اصلی عقب‌ماندگی این شهر از جذب جمعیت، موضوع حمل‌ونقل آن است. فقدان یک حمل‌ونقل سریع و ارزان بین هشتگرد -کرج - تهران باعث توقف جمعیت‌پذیری این شهر جدید شد که در همین راستا یکی از اولویت‌های اصلی در دولت دو یازدهم و دوازدهم ایجاد دسترسی مترو بین هشتگرد، کرج و تهران بوده است.

کمک‌معیشتی یکجا واریز می‌شود

۱۱۰ میلیارد برای ۴۱۹ هزار خانوار جدید

● سخنگوی سازمان برنامه و بودجه با بیان اینکه طی امشب همه مشمولان به صورت یکجا، کمک‌معیشتی را دریافت می‌کنند، گفت: برای خانوارهای جدید در مجموع ۱۱۰ میلیارد تومان واریز خواهد شد.

مهدی قمصریان در گفت‌وگو با مهر در مورد اینکه آیا مانند نوبت اول واریزها، نوبت دوم کمک‌معیشتی نیز به صورت مرحله‌ای خواهد بود، اظهار کرد: طی امشب همه مشمولان به صورت یکجا، کمک‌معیشتی را دریافت می‌کنند و دیگر این روند مرحله‌به‌مرحله نخواهد بود.

سخنگوی سازمان برنامه‌وبودجه کشور افزود: درواقع تمام آن ۱۷.۷ میلیون خانوار که شامل حدود ۶۰ میلیون نفر می‌شود، به‌اضافه ۴۱۹ هزار و ۳۰۴ خانواری که از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تأیید شده‌اند، کمک‌معیشتی را دریافت می‌کنند.

وی ادامه داد: البته برای این ۴۱۹ هزار و ۳۰۴ خانوار جدید، هر دو مرحله کمک‌معیشتی با هم واریز خواهد شد.

قمصریان گفت: کل مبلغی که به این خانوارهای جدید واریز می‌شود، درمجموع دو مرحله، ۱۰۹ میلیارد و ۹۸۷ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است.

گفتنی است؛ کمک‌های معیشتی به تناسب افراد خانوار پرداخت می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برای خانوارهای تک‌نفره ۵۵ هزار تومان، دونفره ۱۰۳ هزار تومان، سه‌نفره ۱۳۸ هزار تومان، چهارنفره ۱۷۲ هزار تومان و پنج‌نفره و بیشتر ۲۰۵ هزار تومان واریز انجام می‌شود.

متقاضیان کمک‌معیشتی که یارانه نگرفته‌اند، از امروز ثبت‌نام کنند

● وزارت رفاه اجتماعی اعلام کرد: افرادی که تاکنون برای دریافت یارانه اقدام نکرده و متقاضی دریافت طرح حمایت معیشتی هستند، از امروز برای پیگیری درخواست برخورداری از بسته حمایت معیشتی به سایت hemayat.mcls.gov.ir مراجعه و ثبت‌نام کنند.

به گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به اطلاع هم‌وطنان عزیز و متقاضیان دریافت طرح حمایت معیشتی می‌رساند که به منظور رفاه حال بیشتر، از مراجعه حضوری به دفاتر پلیس+۱۰ خودداری کنند.

در اطلاعیه شماره ۱۱ ستاد شناسایی مشمولان طرح حمایت معیشتی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی آمده است، از تاریخ ۱۰ دی‌ماه ۹۸ افرادی که تاکنون برای دریافت یارانه اقدام و ثبت‌نام نکرده‌اند و متقاضی دریافت طرح حمایت معیشتی هستند می‌توانند برای پیگیری فرایند درخواست برخورداری از بسته حمایت معیشتی به سایت hemayat.mcls.gov.ir مراجعه و ثبت‌نام کنند.

شرکت مشاور سرمایه‌گذاری معیار
دارنده مجوز رسمی از سازمان بورس اوراق بهادار
بالاترین سود با سبدگردانی معیار
تلفن: ۵-۸۸۱۹۲۱۵۴
۶-۸۸۱۹۲۴۷۵